



بررسی ۵ ابهام درباره تیم ملی که مربی پر تغالی جوابی برایش نداشت  
**چرا کی روش از پاسخگویی طفره رفت؟**

**آدم‌ها** ۱۳

**تصادف بازیکن استقلال صحنه‌سازی شده است؟**

♦ مادر احمد رضا شاکر، که در صحنه تصادف مهدی قاندي فوت شد به «شهر وند» می‌گوید تصادف این دو ابهاماتی دارد اما عده‌ای واقعیت را پنهان می‌کنند

♦ مهدی قاندي  
 ♦ یک باشگاه پشت سرش دارد، ما هیچکس بعد از چهلم، لب دریا  
 ♦ استوری لایو گذاشتند با آهنگ بندری

گران ترین نمایش تاریخ تئاتر ایران در سالن تهران رویال هال هتل اسپیناس به روی صحنه می‌رود

**سوپرستارهای میلیاردی در نقش «بینوایان»!**

♦ ۱۴ صفحه

گفت‌وگوی «شهر وند» با برادر مردی که مقابل شهرداری تهران خودشوزی کرد

**اعتراض آتشین در خیابان بهشت**

♦ پرداخت بیش از ۵۰۰ میلیون تومان پول به شهرداری برای افزایش متر از مغازه دلیل خودشوزی این مرد از سوی برادرش عنوان شد

♦ ۱۰ صفحه

کاپیتان تیم ملی کبیدی زنان ایران در گفت‌وگو با «شهر وند» از زندگی و مشکلات زنان ورزشکار در سیستان و بلوچستان می‌گوید

**زنی از دیار باد و خاک**

♦ من دوست دارم در کمپین «نذر آب» شرکت کنم و کمکی به مردم شهر و استانم داشته باشم

♦ ۴ صفحه

**سیاره آبی** ۱۲

**رقصنده با گرگ**

♦ روایت باور نکردنی از زندگی مارکو رودریگز، مردی که در ۷ سالگی گم و در جنگل توسط گرگ‌ها بزرگ شد

پس از بازی نهنگ آبی مومو جان افراد را تهدید می‌کند

**واتس آپ مرگبار**

♦ ۳ صفحه

پیش فروش خودرو در بازار تقریباً متوقف شده است

**لیزینگ تعطیل!**

♦ ۸ صفحه

**روایت داغ** ۱۴

پای سکه‌های پر تعداد وسط است؟

**پشت پرده حمایت هنرمندان از صدر نشین لیگ یک!**

**یادداشت**

**خودرو نمادی از یک مشکل مهمتر**

صنعت خودروی ایران در کنار پتروشیمی و فولاد یکی از سه پایه اصلی صنعت کشور است که میلیون‌ها نفر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در آن مشغول به کار و تولید هستند. از سوی دیگر اهمیت خودرو برای خانوار ایرانی به گونه‌ای شده که آن را در جایگاه یک کالای سرمایه‌ای و اشتغالزا نیز قرار داده است. به همین علت حساسیت افکار عمومی به خروجی این صنعت بسیار بالاست و افزایش شدید قیمت‌های آن در چند ماه گذشته بر این حساسیت افزوده است. در اهمیت مسأله همین بس که قیمت پراید به عنوان شاخص عمومی برای ذکر وضعیت قیمت سایر کالاهای بیانی می‌شود. تنش و حساسیت این مسأله در فیلم کوتاهی که از اعتراض یک شهروند عادی به آقای مطهری منتشر شده و بازتاب زیادی داشته نیز پیدا است. در این میان موضوع قیمت‌گذاری خودرو و سودوزیان‌های شرکت‌های خودروساز از رهگذر افزایش قیمت آن به چالشی عمومی در افکار عمومی تبدیل شده است.

نخستین مسأله این است که افکار عمومی نسبت به افزایش قیمت خودرو معترض است ولی این اعتراض در مجرای صحیحی عمل نمی‌کند به این معنا که تفاوت قیمت خودرو در کارخانه با قیمت آن در بازار شدت افزایش یافت به طوری که در برخی از مدل‌ها تا ۹۰ میلیون تومان تفاوت قیمت مشاهده شد و در یک مورد خاص (مزدا) که تعداد معدودی برای عرضه تعیین شده بود، صدها برابر آن برای ثبت‌نام اقدام کردند و تعداد بسیاری معدودی توانستند وارد سایت فروش شوند و البته این امر قابل انتظار نیز

بود. این تفاوت قیمت رانت و سود بزرگ و مفتی را ایجاد می‌کند که پرداخت آنها هیچ منطق و دلیل روشنی نداشت. شرکت‌های خودروسازی نیز از این فرصت استفاده کردند تا بلکه زبان‌های خود را جبران کنند. از سوی دیگر شورای رقابت بر قیمت‌های مصوب با اندکی افزایش پافشاری کرد و به همین علت بازار خودرو به کلی دچار مشکل شد و سودهای بادآورده‌ای شکل گرفت که میان معدودی از افراد خوش‌شانس یا افراد دارای رابطه توزیع شد. اقدامات خودروسازان نیز از طریق توقف عرضه محصولات به بازار این وضع را تشدید کرد؛ بویژه آنکه همراه شد با خروج خودروسازان بین‌المللی از کشور و اجرای تحریم‌های خودرویی.

اکنون این پرسش پیش آمده که چه باید کرد؟ آیا خودروسازان خودروهایی را که به قیمت‌های مصوب که خیلی پایین‌تر از قیمت‌های بازار است، بفروشند؟ در این صورت صف تقاضا، صدها برابر حجم عرضه خواهد شد. آیا به قیمت بازار بفروشند؟ حقوق مصرف‌کننده چه خواهد شد؟ سود ناشی از این افزایش چسرا باید در جیب کارخانه‌ای برود که دلار ۴۲۰۰ تومانی گرفته ولی اکنون کالایش را بر اساس دلار ۸۰۰۰ تومان می‌خواهید بفروشند؟

راه‌حل واقعی و اثبات‌تدوین مقرراتی است که قیمت‌گذاری و عرضه خودرو تحت تأثیر این تلاطمات قرار نگیرد و تفاوت قیمت‌ها نیز در جهت اصلاح سیاست‌های حمل‌ونقل صرف شود. والا با قیمت‌گذاری مشابه و وجود تفاوت میان قیمت کارخانه و بازار همواره با چنین مشکلاتی مواجه خواهیم شد.

**یادداشت**

**چه منتهی بر سر هنرمندان مملکت داریم؟**

خداپس باشد که با بهترین هنرمندان این مملکت همکاری کند. چرا باید منتهی بگنارد. اگر استعداد کم تجربه‌ای آمده در سیمایا و رشد کرده، وقت و جوانی و هوش و استعدادش را گذاشته دینی هم اگر باشد دوطرفه است. تازه مگر غیر از صدا و سیما جایی هم هست. این چند سال اخیر شبکه رسانه‌های تصویری و سریال‌های خانگی راه افتاده. جز آن در تمام این سال‌ها که سازمان معظم جلوی هر رقابتی و هر رسانه تصویری دیگری را سد کرده بود - و است - و نمی‌گذاشت/ گنارد که کسی شبکهای علم کند. وقتی که کسی به دیگران امکان فعالیت نمی‌دهد، دیگر افتخاری ندارد اگر به کسی اجازه کار می‌دهد. تازه مگر صدا و سیما امکاناتش را از کجا آورده؟ مگر جز این است که همه این سازمان و ریال به ریال بودجه و امکاناتش متعلق به ملت است و باید نیازهای مردم را برآورده کند؟ چرا عده‌ای فکر می‌کنند فضا دادن سیما به بهترین هنرمندان کشور حرم و شرف است؟

درباره این که ممکن است منتقدان و روایان ممیزی دوباره با سازمان کار کنند هم باید گفت چه بهتر، دعا کنیم که سازمان ساعت‌های آنتن را ارت پدیری به شمار نیاید و به هنرمندان به چشم هوو نگاه نکنند و خودش را و ما را از آنها محروم نکنند. معلوم است که باید انتقاد کنند تا شاید سیما رفتارش را اصلاح کند و ممیزی‌های گاه سلیقه‌ای‌اش را کمتر کند. این شد دلیل برای این که پایشان را قطع کنیم؟

آبرو و اعتبارند و نه برعکس. سیما باید از خنده‌دار می‌خواهند جلب نظر کنند و دوباره خودی نشان بدهند تا کار بهتری به آنها پیشنهاد شود. بخشی از انتقاد هم این بود که «شما که در تلویزیون گنده شده‌اید و از آنتن و امکانات سازمان استفاده کرده‌اید تا کسی شویید به چه حقی به ولینعمت سابقان طعنه می‌زنید. چرا همان موقع که داشتید همکاری می‌کردید جرات این اظهارات را نداشتید. و این که فکر کردید حالا کسی شده‌اید. در حالی که هنوز خیلی برای دریافتن با صدا و سیما حقیرید.» این ایراد آخری هم به خصوص از سوی تند و تیزهایی ابراز می‌شد که سیما را از آن خود می‌دانند و احساس مالکیت‌شان دارند و معمولاً هر که با آنهاست و همکاری می‌کند را رعایت می‌کنند و هر که از زبان درازی کند می‌نوازند. اما شاید دو سه نکته درباره این انتقادات و منطقی نبودن‌شان گفته شود. اول این که این صدا و سیمایی که از آن حرف می‌زنیم، بدون هنرمندان و نویسندگان و بازیگران اصلاً چی هست و چه اعتباری دارد؟ چرا فکر می‌کنیم که رسانه معتبری به نام صدا و سیما وجود دارد و هر وقت بخواهد دست نوازش بر سر عده‌ای می‌کشد و به آنها برنامه و آنتنی می‌دهد. صدا و سیما آبرو و اعتباری هم اگر دارد، بخش بزرگی از آن را مدیون هنرمندان مستقل است که آمده‌اند کار کرده‌اند و تماشاگر آورده‌اند. قاسم‌خانی‌ها و مدیری و ژوله و همه بی‌بندگانی که با کارهایشان به تماشای سیما کشاندند مایه آبرو و اعتبارند و نه برعکس. سیما باید از

یکی از اتفاقاتی که در چند روز اخیر مورد توجه قرار گرفت، کمپینی بود به دعوت امیرمهدی ژوله، بازیگر و نویسنده طنز که از هنرمندان دعوت می‌کرد تا خاطرات سانسورهای بازه در صدا و سیما را بنویسند. کمپینی که عده‌ای از بازیگران، کارگردان‌ها و نویسندگان به آن لبیک گفتند. دیروز هم ترانه علی‌دوستی رشته توییتهی منتشر کرد و در آن به دلایلی برای همکاری نکردن با سیما و نا نگذاشتن به این رسانه پرداخت. مطلبی که بسیار دیده شد و در آن شکل تحقیر مهمانان و بازیگران سیما و مواردی که به آنها تذکر داده می‌شود بیان شده بود. عده‌ای از دوستان و حتی فعالان رسانه‌ای به این کمپین واکنش نشان دادند و از ژوله و همراهانش انتقاد کردند که چرا به صدا و سیما تاخته‌اند. بیشترین استدلالی که مطرح می‌شد این بود که پاسخگویان، مثل امیرمهدی ژوله همه روز گاری با صدا و سیما همکاری کرده‌اند و چه بسا موفقیت‌ها و شهرت و محبوبیت خود را مدیون آن هستند. برخی می‌گفتند این انتقادها برای این است که سیما این عده را به بازی نمی‌گیرد و آنها دارند انتقام می‌گیرند که همین‌ها اگر دوباره دعوت شوند با همین شکل از سانسور و ممیزی باز هم به سیما و دستمزدهای شیرین‌اش پناه خواهند برد. انتقاد عده‌ای هم این بود

**سیامک رحمانی**  
 سردبیر

**روایت داغ** ۱۵

مر تفضی کریمی همه چیز را رد کرده اما گمانه‌زنی‌ها ادامه دارد

**در پی ۶۹ کمک‌داور شاکي**

**قرمز شاکي، آبی شاکي**

**روایت داغ** ۱۵

**روایت ترانه علی‌دوستی**

**از روز تلخ پاییزی الوند**

**آموزش** ۱۱

این ۳۰ راهکار را بشناسید

**زندگی در خانه‌ای که نمی‌سوزد**

خانواده جعفری بیش از ۵۰ سال سابقه فعالیت در هلال احمر دارند

**بشر دوستی به سبک «عباسی»، «سیدمین» و خانواده**

♦ ۵ صفحه

**شهر ونگ** ۱۶

سارق: خدا بیبش رفته بودم پوشک بردارم

چند روایت چند روایت

نگهداری جانوران وحشی بدون مجوز قانونی جرم است

**اسارتگاه‌های خانگی و دلالان حیات وحش**

♦ ۲ صفحه